

مقام علمیِ پروفیسورِ عابدی

اعجاز احمد بن بشیر احمد*

قصدِ بنده از نوشتنِ مقالهِ مبسوط و یا شرحِ حالِ کاملِ به‌طوری که شایستهٔ دانشمندی چون پروفیسور سید امیر حسن عابدی باشد، نیست زیرا برای انجام دادنِ این امر مهم، قلم توانا باید و نویسندهٔ بینا. کاری که من با این بی‌مایگی، بی‌بضاعتی و امکانات محدود کرده‌ام فقط شوق و اشتیاق است که مرا وادار کرده که من هم نسبت به‌استاد فقید و ارجمند شبه قارهٔ هند سید امیر حسن عابدی ارادتی که دارم ابراز بکنم و این را هم برای خود وظیفهٔ ملی و وجدانی می‌دانم.

نظر من معرفتی شخصیت معنوی و علمی پروفیسور سید امیر حسن عابدی نیست زیرا اگر کسی بخواهد سید موصوف را بشناسد باید به‌تألیفاتش نظر افکنده و بخواند و به‌فهمد و یا باید از آنان باشد که از محضرش درک فیض نموده و پی به‌سجایای اخلاقیش برده باشد. زیرا ما ظاهری از زندگی وی شنیده و دیده‌ام و از زندگی باطنی وی خبری نداریم. گفته می‌شود که زندگی هر فردی دارای دو قسمت است یکی زندگی ظاهری که سیر در عالم آفاق یعنی جهان مادی و جسمانی است و دیگری زندگی باطنی که سیر در عالم انفس یعنی در جهان معنوی و روحانی است که در درون هر آدمی جایگیر و مقام روح اوست. هنر بزرگ پروفیسور سید امیر حسن عابدی و اگر بهتر گفته شود بزرگترین هنرش همین بود که آرزو و امید را در دل خوانندگان ادب فارسی و نیز عربی بیدار و روشن می‌کرد. به‌طور غیرمستقیم به‌خوانندگان فارسی نشان می‌داد زندگی این نیست که شما دارید، تعلیم و تربیت این نیست که شما دارید، تعلیم

* دانشجوی دکتری بخش فارسی دانشگاه کشمیر، سرینگر (جامو و کشمیر).

و تربیت این هم نیست که در مدارسها معمول است. سید موصوف راه تازه‌ای را در آموزش زبان فارسی پیشنهاد کرد او معتقد بود که آموزش و پرورش جدید به‌طور ناقص در شبه قاره هند اجرای می‌شود و به‌همین دلیل نتایج خاصی را که می‌باید از آن گرفت به‌دست نمی‌دهد.

تالیفات پروفیسور عابدی از دوره چهارگانه راه نو در تعلیم و تربیت و کتاب تجلیات روح هندی و رهبر نژاد نو، همه به‌منزله راهنمایی واقعی مردم هند به‌فراگرفتن ترتیب جدید به‌شمار می‌رود و جا دارد این مرتبی دلسوز هند مورد حق‌شناسی و قدردانی نسل جدید کشور قرارگیرد. یکی از مزایای اصول فن تربیتی پروفیسور عابدی این است که همواره در تعالیم خود جهان اخلاقی و معنوی را برای ملت ضروری شمرده و این خود یکی از رموز قدرت ملی، ملل زنده امروزی جهان شناخته می‌شود. ناگفته نگذاریم که یکی از مرئیان بزرگ نسل جدید و نژاد نو شبه قاره هند دانشمند پروفیسور سید امیر حسن عابدی یعنی مؤلف ارجمند به‌شمار می‌رود. آثار قلمی و تراوش‌های فکری وی را تمام جوانان تحصیل کرده شبه قاره هند خصوصاً جوانان فارسی‌شناس کم و بیش خوانده و دیده و بر آثار وی وقوف یافته‌اند. اگر مقام دکتر عابدی را از انتشارات و نگارشات وی تعیین کنیم می‌یابیم که تمام فعالیت‌های خود برای خدمت به‌بیداری خوانندگان ادب فارسی به‌کاربرده است.

بنده همواره شیفته استادان بزرگ ادب فارسی بوده‌ام. هنگامی که من آثار ارزنده و ذی‌قیمت این اساتید را می‌بینم یا می‌خوانم لرزه براندام می‌شوم و فکر می‌کنم که چطور این اساتید در زندگی مختصر خودشان این جور آثار را باقی گذاشتند. یکی از اساتید زمان پروفیسور مذکور است هر وقت که وی به‌یادم می‌آید چندان غم و اندوه بر دلم هجوم می‌آورد و آنقدر متأثر و متألم می‌شوم که تا چند دقیقه مثل مجنونان سرم دوران می‌یابد. خیلی آرزو می‌کنم که من هم مثل آنجناب از جویبار علم و ادب سیراب گشته و پا به‌دایره علم و ادب و تهذیب و تمدن می‌نهادم اما فقط می‌گویم که:

شرح این قصه جانسوز نگفتن بهتر ور بسوزد دلم، این راز نهفتن بهتر

مطلبی که ذکر آن را در اینجا لازم می‌بینم این است که چون کسی آثار و تالیفات سید عابدی را می‌خواند نمی‌تواند تفاوتی بکند که نویسنده یک ایرانی بوده است یا

هندی نژاد. علاوه بر زبان فارسی وی در زبان عربی، انگلیسی و اردو نیز تبخّر و مهارت کَلّی داشت. مخفی نماند که انجمن سراسری استادان فارسی هندی در سال ۱۹۹۶ م در کنگره بین‌المللی احمدآباد واقع در ایالت گجرات هند پروفیسور سید امیر حسن عابدی را به لقب «بابای فارسی» سرفراز کرد از این لقب عالی این امر آشکار می‌شود که پروفیسور سید امیر حسن عابدی نه فقط در شبه قاره هند بلکه در سراسر جهان شهرتی و معرفتی تام دارد چون گفته می‌شود مشک آن است که خود ببوید نه که عطر بگوید. بنده هم به جایی رسیده‌ام که فقط بگویم:

این سعادت به‌زور بازو نیست تا نبخشد خدای بخشنده

در نظر بنده پروفیسور موصوف همان ارادتی نسب به‌آموزندگان و سرشناسان ادب فارسی داشت که سر سید احمد خان نسبت به مسلمانان آن دوره داشته است. سر سید احمد خان می‌خواست که مسلمانان با ادب و فرهنگ غرب آشنا شوند ولی سید امیر حسن عابدی می‌خواست که مسلمانان با فرهنگ و تمدن و ادب ایران یار و قرین بشوند. جالب توجه آن که استاد در کنگره بین‌المللی که ذکرش آمد با بیاناتی پر از اندرز و نصیحت با حضار کرام فرمود:

”عزیزان من! برای زبان و ادب فارسی پدر و مادر نترشید، بروید تحقیق و مطالعه کنید. در این میان مسئولیت جوانان، طالب علم و دانشجویان زبان فارسی سنگین‌تر از دیگران است. این میراث عظیم فرهنگی را دریابید و با مطالعه و تحقیق جدی بر آثار فراوانی که در کتابخانه‌های هند است، مانع از بین رفتن آنها شوید و به حفظ آثار گذشتگان پردازید که امانتی است نزد شما و بس“^۱.

بدون شک استاد عابدی عالمی فرزانه و دانشمند سرشناس در زبان فارسی بود، با این وجود وی هیچ‌گاه از برتری علمی و ادبی خودش مغرور نشده و آن را به‌رخ کسی نکشیده است. وی همیشه نگران انحطاط و زوال این دوزبان فارسی و عربی در شبه قاره بوده و اغلب ناراحتی و نارضایتی خود را در مورد این قضیه عنوان کرده است. با وجود این همه که در سطور بالا نوشتیم، درک مقام علمی و ادبی پروفیسور سید امیر حسن عابدی خیلی دشوار است. من خود معترفم حتی به آن نیت خود نیز نرسیده‌ام. در مورد شخصیت متعدّد وی می‌توان گفت

۱. سیده بلقیس فاطمه حسینی در مقدمه «سیمای عابدی» این عبارت را درج کرده است، ورق خ.

که فکر هرکس به قدر ادراک نمودن شخصیت عظیم هر هنرمند و نویسنده بزرگ و استاد برجسته مثل سید امیر حسن عابدی آنچه که بوده است بسی دشوار است و بنده در این اندک، ادعایی ندارم و دعاگو هستم که خدای تعالی وی را بیمارزد و درود بروان پاک او باد و من فقط می‌گویم:

ترا، چنانکه تویی، هر نظر کجا بیند بقدر بینش خود هرکسی کند ادراک

*

قلم گرفتم و گفتم سلام بنویسم حکایت غم هجران تمام بنویسم
حکایت شب هجران و محنت دوری ز حد گذشت ندانم کدام بنویسم

منابع

۱. عابدی، پرفسور سید امیر حسن: سیمای عابدی، مرتبه سیده بلقیس فاطمه حسینی، انتشارات بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی، ۲۰۰۴ م.
۲. فرهنگ فارسی امروز، غلام حسین صدری افشار، نشرین حکمی، نسترن حکمی.
۳. فرهنگ معاصر کیمیا، فارسی-انگلیسی، کریم امامی، تهران، ۱۳۸۵ ه.ش.
۴. لغت‌نامه دهخدا، دوره جدید (۱۴ جلدی)، علی اکبر دهخدا، قزوینی بن خانابا خان: دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲ ه.ش.